

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هرمزگان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات

فارسی

عنوان:

بررسی تحلیلی نمودهای اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن وابسته به آن در

قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان.

استاد راهنما:

زهرا انصاری

استاد مشاور:

عاطفه جمالی

نگارش:

بدریه زارعی

مهر ۱۳۹۱

به:

پدر بزرگوار

و

مادر مهربانم

## قدردانی و تشکر

این پایان نامه فرصتی شد تا از زحمات بی دریغ تمام استاد‌های بزرگوام تشکر نمایم استاد‌هایی که مدت شش سال از خدمت آنها فیض بردم، به ویژه سرکار خانم دکتر زهرا انصاری که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته‌اند و سرکار خانم دکتر عاطفه جمالی که مشاوره‌های ایشان در پیشبرد سیر این پایان نامه نقش مؤثری داشته است. همچنین بر خود واجب دیدم که از دو تن از استادانم نهایت تقدیر و سپاسگذاری را داشته باشم؛ دو استادی که بسیار مدیون لطف و مهربانی‌های آنها هستم؛ سرکار خانم دکتر زهرا انصاری و جناب آقای دکتر حسین میرزا نیک‌نام.

۱	<b>فصل اول: مقدمه و کلیات</b>
۲	۱-۱ طرح موضوع و مسأله تحقیق
۸	۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق
۹	۳-۱ هدف تحقیق
۹	۴-۱ پیشینه‌ی تحقیق
۱۰	۵-۱ روش تحقیق
۱۱	<b>فصل دوم: قصه‌های عامیانه و ارتباط آن با اساطیر و باورهای کهن</b>
۱۲	۱-۲ فرهنگ عامه
۱۳	۲-۲ اساطیر و باورهای کهن
۱۵	۳-۲ ارتباط قصه‌های عامیانه با اساطیر و باورهای کهن
۱۷	<b>فصل سوم: بررسی تحلیلی نمودهای اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن وابسته به آن در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان</b>
۱۸	۱-۳ نگاهی اجمالی به نمودهای کهن «درخت» و باورهای وابسته به آن در اساطیر
۱۸	۱-۱-۳ جنسیت پذیری درخت در اساطیر ملل
۱۹	۱-۱-۳-۱ انگاره‌ی اساطیری «درخت - مرد» در اساطیر ملل
۲۱	۱-۱-۳-۲ انگاره‌ی اساطیری «درخت - زن» در اساطیر ملل
۲۴	۲-۱-۳ باور «ذی روح بودن درخت» در اساطیر ملل
۲۹	۳-۱-۳ «خویشکاری درخت» در اساطیر سایر ملل
۳۰	۴-۱-۳ «نمادهای هم پیوند درخت» در اساطیر ملل
۳۴	۲-۳ بررسی تحلیلی نمودهای اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن وابسته به آن در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۳۴	۱-۲-۳ جنسیت پذیری درخت در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۳۵	۱-۱-۲-۳ انگاره‌ی اساطیری «درخت - مرد» در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۶۰	۲-۱-۲-۳ انگاره‌ی اساطیری «درخت - زن» در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۷۷	۲-۲-۳ باور اساطیری «ذی روح بودن درخت» در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۱۱۶	۳-۲-۳ «خویشکاری درخت» در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن

۱۲۳	۴-۲-۳ «نمادهای هم پیوند درخت» درقصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان و نمونه‌های اساطیری آن
۱۴۹	فصل چهارم: جداول و نمودارها
۱۶۸	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۷۲	پی‌نویس
۱۸۰	منابع و مآخذ

# فصل اوّل:

## مقدمه و کلیات

## ۱ - مقدمه و کلیات

### ۱-۱ - طرح موضوع و مسأله تحقیق

از فولکلور<sup>۱</sup> یا فرهنگ عامه تعریف‌های مختلفی صورت گرفته است. این تعریف‌ها با وجود آنکه متفاوت هستند در عین حال از مفاهیمی نزدیک به هم برخوردارند، برای مثال در دایره المعارف ایرانیکا ذیل مدخل Folklore می‌خوانیم: اصطلاح فرهنگ عامه، در یک مفهوم بسیار وسیع، فرهنگی سنتی است که لزوماً به یک قشر خاص اجتماعی تعلق ندارد بلکه هر گروه قابل توجهی از مردم را در بر می‌گیرد. این اصطلاح میدان گسترده‌ای از مفاهیم مختلف را در بر می‌گیرد، اعم از باورهای رایج و آداب و رسوم تا اساطیر، افسانه‌ها و انواع دیگر ادبیات شفاهی. از آنجا که مطالعات فرهنگ عامه در ایران پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است، تاکنون اصطلاح معینی وجود ندارد که به طور کلی معادل آن باشد. عبارات خاصی که بیشتر به این اصطلاح نزدیکتر هستند و پیشنهاد شده‌اند عبارتند از: عقاید و رسوم، آیین‌ها و باورداشت‌ها. فرهنگ عامه عنوان‌های کلی را در بر می‌گیرد که در حال حاضر عمدتاً منسوخ شده است از جمله توده شناسی، فرهنگ توده (عامه، عامیانه، عوامانه). احتمالاً لفظ فرهنگ مردم به عنوان معادل فرهنگ عامه از پذیرش و توسعه‌ی تاریخی بیشتری برخوردار است (online.orgwww.iranica).

در کتاب فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی ذیل مدخل فرهنگ عامه چنین آمده است: فرهنگ عامه از نیمه‌ی قرن نوزدهم، به ضرب المثل‌ها، اشعار، قصه‌های غیر مکتوب و آیین‌های اجتماعی اطلاق شده است که صرفاً یا دست کم در ابتدا، به طور شفاهی و به صورت تقلیدی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند و شکل مکتوب نداشته‌اند. فرهنگ عامه در جوامعی گسترش پیدا کرد، که افراد معدودی قادر به خواندن و نوشتن بودند. حتی امروزه در میان جوامع باسواد نیز به اشکال متعدد در حال گسترش است از جمله در شکل جوک‌ها و داستان‌های غیر مکتوب (ایبرمز، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

فرهنگ عامه از دامنه‌ی بسیار وسیعی برخوردار است و شاخه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد. در ابتدا محققین فولکلور تنها ادبیات عامیانه را جزو فرهنگ عامه می‌انگاشتند؛ اما به مرور زمان تمام سنت‌هایی که افواهاً آموخته می‌شود جزو آن گردید. چندی بعد جستجو کنندگان اعتقادات و اوهام، پیشگویی، نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه دانش توده نامیده می‌شد مانند؛ گاهنامه، سنگ شناسی، گیاه شناسی، جانورشناسی و داروهای را که عوام به کار می‌برند به این علم افزودند. سپس اعتقادات و رسومی که وابسته به هر یک از مراحل گوناگون زندگی مانند تولد، بچگی، جوانی، زناشویی، پیری، مراسم سوگواری، جشن‌های ملی و مذهبی و عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می‌شود، از جمله تمام پیشه‌ها و فنون توده، جزو این علم به شمار آمد (هدایت، ۱۳۸۴: ۴۵۰).

همانگونه که پیش از این ذکر شد، یکی از مهمترین شاخه‌های فرهنگ عامه، ادبیات عامیانه است که در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک به صورتی آرام جریان داشته و بازتابی از فرهنگ

<sup>۱</sup>Folklore



و اندیشه‌ی عموم مردم بوده است. ادبیات عامیانه خود مشتمل بر: قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها و ... است.

قصه‌های عامیانه به عنوان زیر مجموعه‌ای از ادبیات عامه سرچشمه‌ی بسیاری از شاهکارهای ادب رسمی به شمار می‌رود ( محجوب، ۱۳۸۲: ۴۳). این قصه‌ها به تعریف دقیق، روایت کوتاهی است در قالب نثر، که نویسنده‌ی آن نامشخص است و به صورت سینه به سینه منتقل شده است؛ بسیاری از این قصه‌ها، نهایتاً فرم مکتوب پیدا می‌کنند؛ اما این اصطلاح غالباً در مفهوم وسیع‌ترش، در مورد داستانهایی نیز که توسط نویسندگان مشخص خلق شده‌اند و شفاهاً یا کتباً میان مردم روایت شده‌اند، به کار می‌رود (ایبرمز، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

اگر افسانه و قصه قدیمی‌ترین اثر و کهن‌ترین تراوش دستگاه ذهنی بشر نباشد، باری در جزء کهن‌ترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشر بر جای مانده است (محجوب، ۱۳۸۲: ۱۲۱) و از عناصر غیر مکتوب فرهنگ جوامع، و بخش مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملت به شمار می‌رود. زبان اغلب این قصه‌ها نزدیک به محاوره و سرشار از لغات و اصطلاحات عامیانه است، با درونمایه‌هایی متفاوت که محور اصلی آن‌ها را نبرد ازلی خیر و شر تشکیل می‌دهد. «هدف قصه به ظاهر خلق قهرمان و ایجاد کشش و بیدار کردن حس کنجکاوی و سرگرم کردن خواننده یا شنونده است و لذت بخشیدن و مشغول کردن؛ اما در حقیقت درونمایه و زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها، ترویج و اشاعه-ی اصول انسانی و برادری و برابری و عدالت اجتماعی است.» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۵۸).

قصه‌ها و افسانه‌ها، قرن‌ها پیش از آغاز زندگی بشری پدید آمده است و اصل و بنیان آنها اغلب به آداب و رسوم و معتقدات رایج در میان انسانهای ابتدایی باز می‌گردد. «عمر قصه و افسانه به قدمت عمر انسان است. شاید همان زمان که انسان غارنشین بر دیوارهای سنگی سکونتگاه خویش نقش حیوانات را می‌کشید، افسانه‌ای را نیز رقم می‌زد؛ افسانه‌هایی که سپس در برابر آتش بازگو می‌شدند و کودکان با شنیدن آن به خواب می‌رفتند.» (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۴) در ایران افسانه سرایی سنتی کهن به شمار می‌رود. شواهدی از این افسانه‌ها را که بعدها جنبه‌ی حماسی اسطوره‌ای یافتند، می‌توان در اوستا مشاهده کرد (همان: ۱۵)

اهمیت ادبیات عامیانه به ویژه قصه و افسانه تا بدان حد است که به عنوان یکی از مهمترین اجزای فرهنگ عامه، در مطالعات فرهنگی مورد توجه واقع می‌شود. مطالعات فرهنگی به معنی مطالعاتی چند رشته‌ای است که جدیداً پدید آمده و به سرعت در حال رشد است. هدف اصلی این مطالعات تحلیل شرایطی است که بر تولید، دریافت و معنای فرهنگی همه‌ی انواع نهادها، شیوه‌ها و محصولات تأثیر می‌گذارند. عموماً این مطالعات به ادبیات داستانی عامه پسند رمانس‌های پر فروش (داستان‌های عشقی)، ژورنالیسم و سایر هنرها از قبیل آثار کمیک کارتونی، فیلم، نمایش‌های احساسی تلویزیونی و موسیقی راک و رپ بیشتر استقبال نشان می‌دهد تا آثار متعلق به معیارهای تثبیت شده و موثق ادبی (همان: ۶۹ و ۷۰)

همانگونه که پیش از این ذکر شد، قصه‌ها و افسانه‌ها قرن‌ها پیش از آغاز زندگی بشری پدید آمده و از منشأ دیرینی برخوردارند. غالباً منشأ قصه‌های عامیانه بر مبنای فرضیه‌های مختلف ارائه شده، متفاوت است. مهمترین این فرضیه‌ها عبارتند از:

### **- فرضیه هند و اروپایی:**

برادران گریم از نخستین کسانی بودند که به این فرضیه پرداختند و سپس به دست ماکس مولر سانسکریت دان تکمیل شد.

بر مبنای این فرضیه، قصه‌ها از اساطیر آریایی در باب کیهان شناخت که پیش از تاریخ در هند، مهد فرضی اقوام هند و اروپایی پدید آمده‌اند، زاده شده‌اند. آریائیان از پدیده‌های آسمان و شب و خورشید و فجر، در دورانی فرهنگی که زبان برای بیان مفاهیم مجرد هنوز توانایی نداشت، خدایانی ساختند؛ اما پس از پراکندگی هند و اروپائیان در سراسر اروپا، مدلول اصلی خدایان ودایی فراموش شد و فقط بعضی آثار آن در اصطلاحات یا ضرب‌المثل‌هایی گنگ و نامفهوم باقی ماند و از آنها اساطیر به وجود آمد که داستان‌هایی بر ساخته‌ی آدمی برای توضیح اصطلاحات و ضرب‌المثل هاست ( وطن پور، به نقل از دلاشو ۱۳۸۸: ۹).

### **- فرضیه هندی:**

این فرضیه توسط تئودور بنفی در سال ۱۸۵۹ وضع شد. به اعتقاد پیروان این فرضیه، اگر خاستگاه همه‌ی قصه‌های حیوانات کتاب پنج‌تانترا (کلیله و دمنه)، مغرب زمین و در وهله‌ی اول یونان است، قصه‌های شگرف جادو، همه از هند می‌آیند که در آنجا راهبان بودایی در تعالیم خویش از آن‌ها بر سبیل تمثیل و قیاس می‌جسته‌اند. این قصه‌ها تا قرن دهم میلادی به صورت شفاهی به مقداری اندک و پس از دوره‌ی فتوحات اسلامی به اندازه‌ی بسیار و به صورت مکتوب از بی‌زانس و ایتالیا و اسپانیا به اروپا راه یافتند (همان: ۹).

### **- فرضیه مردم‌نگاری:**

بزرگترین نماینده‌ی این فرضیه، آندرو لانگ است. او برخلاف فرضیه‌ی ماکس مولر، معتقد است که قصه پس‌مانده‌ی اسطوره نیست، بلکه ابتدایی‌ترین و مقدماتی‌ترین شکل اسطوره است. قصه‌ها هم‌زمان در مناطق مختلف عالم؛ اما هم سطح از لحاظ فرهنگی یعنی در مرحله‌ی جان‌گرایی، جاندار پنداری طبیعت و توت‌م پرستی پدید می‌آیند. بنابراین مضامین قصه‌ها مشتمل بر رموز نیست، بلکه حاوی معتقدات، آداب و رسوم کهن واقعی است (همان: ۹).

### **- فرضیه آیین‌نگاری:**

پل سن تیو نظریه‌ی قوم‌نگاران را آغاز کرد. تعبیر وی این است که اشخاص قصه‌ها، خاطره و یادگاری از برگزارکنندگان مراسم و مناسک در آیین‌های مردمی‌اند که امروزه کمابیش فراموش شده‌اند (همان: ۱۰).

### **- فرضیه مارکسیستی:**

فولکلورشناسان نامدار روس، ولادیمیر پراپ در نظریه‌ای جدای از پژوهشی ساختار گرایانه، با دیدگاهی مارکسیستی می‌کوشد تا نظام‌های تولیدی قدیم و یا رژیم‌های اجتماعی کهن را که موجب خلق قصه‌های جادو شده‌اند، معلوم دارد (وطن پور به نقل از دلاشو، ۱۳۸۸: ۱۰).  
به اعتقاد وی، قصه‌های جادویی حاوی آثار، معتقدات و مناسک ابتدایی جوامع طایفه‌ای با رژیم‌های برداشت و میوه‌چینی و شکارند که جوامع آغاز عصر کشاورزی و نیز فرهنگ‌های بعدی، چون معنای آن مناسک را در نمی‌یافتند، همه‌ی آداب و رسوم را بر وفق انگاره‌های فرهنگی خاص خود و با دلیل تراشی‌های بیجا، به غلط تفسیر و تعبیر کرده و بنابراین دگرگون ساخته‌اند (همان: ۱۰).

### **- فرضیه روانکاوی:**

بزرگترین نماینده‌ی این فرضیه فروید است. او قصه را صورت ساده و کاسته شده‌ی اسطوره می‌داندست و معتقد بود که اساطیر بازمانده‌های توهمات و آرزوهای ملل و اقوام و در حکم رؤیاهای متمدای نوع بشر در دوران جوانی اویند. به نظر وی پرداخت قصه و اسطوره عین پرداخت رؤیاست و همان ساز و کارهایی که در پرداختن رؤیا به کار می‌افتند، در پرداخت قصه‌ها و اساطیر نیز دخالت دارند (همان: ۱۰).

### **- فرضیه ساخت‌گرایی:**

پراپ از مهمترین نمایندگان این تحلیل‌ها است. ساخت‌گرایی یعنی بررسی روابط متقابل میان اجزای سازی یک شیء یا موضوع فولکلوریک که تنها محدود به قصه‌های عامیانه و اسطوره نیست. این روش را می‌توان درباره‌ی هر موضوعی از فولکلور به کار برد، هم اکنون تجزیه و تحلیل‌های مشابه این درباره‌ی ضرب‌المثل‌ها، معماها، ترانه‌ها، بازی‌ها و ورزش‌ها وجود دارد؛ زیرا مسائل مربوط به تجزیه و تحلیل‌های ساختاری درباره همه‌ی این موضوع‌ها یکسان است (پراپ ب، ۱۳۷۱: ۷).

### **- فرضیه بازسازی تاریخی:**

این فرضیه توسط گوم مطرح شد. گوم معتقد است ما با بررسی فولکلور می‌توانیم سنت‌های عامیانه‌ای را که از طریق جنگ، کوچ و مهاجرت، توسط اقوام و نژادهای مختلف به یک منطقه آورده شده است به دقت بازیابی کنیم و به این طریق با تفکیک این عناصر می‌توان به بازسازی نمادهای اصلی دست یافت (همان: ۱۴).

### **- ارتباط قصه‌های عامیانه با اساطیر**

مطالعات فرهنگی در حوزه‌ی فولکلور یا فرهنگ عوام از بخش‌های گوناگونی تشکیل می‌شود و همواره «انواع بسیاری از تحقیقات متفاوت را در بر گرفته است.» (استوری، ۱۳۸۶: ۱۴). یکی از این بخشها مطالعه‌ی فولکلور با رویکردی اسطوره محور است.

در این پژوهش به بررسی بازتاب باور اساطیری درخت در قصه‌های عامیانه‌ی استان هرمزگان پرداخته شده است تا هرچه بیشتر بر اهمیت حفظ و مطالعه‌ی فرهنگی قصه‌های عامیانه تأکید شود و

نشان داده شود که چگونه می‌توان ردپای باورهای کهن و اساطیری یک قوم را در ادبیات عامیانه‌ی آن قوم یافت، از این طریق بستر برای پژوهش‌های عمیق‌تر به ویژه در حوزه‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات عمیق‌تر فرهنگی یک جامعه هموار کرد.

«طبیعی است که بشر پیش از ورود به دوران تاریخی و روایت زندگانی خویش به یاری نقوش، علائم و خطوط و صفحه، به مدتی دراز افسانه‌ها را در نهان‌خانه‌ی ضمیر و حافظه‌ی خود نگاه می‌داشت و دهان به دهان و سینه به سینه به اخلاف خود می‌سپرد. قدیمی‌ترین سرگذشت خدایان و کهن‌ترین توجهی که به کیفیت آفرینش و مرگ و خواص و نیروهای موجودات شده است به صورت افسانه‌های اساطیری به جای مانده است و حتی احکام و دستورهای خدایان نیز در طی افسانه‌ها به افراد بشر ابلاغ می‌شد و علت وجوب یا حرمت هر کار و امر و نهی خدایان را نیز افسانه نشان می‌داد.» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۲۱ و ۱۲۲)

در خصوص ارتباط قصه‌های عامیانه با اساطیر - به عنوان مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات اولیه یا بسیار کهن اقوام بشر تا کنون نظرات متعددی بیان شده است (ر.ک: مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامیانه: ۱۳۸۸) از جمله این که یکی از شیوه‌های ادامه‌ی حیات اساطیر، تغییر یافتن آنها به صورت قصه و داستان، بویژه قصه‌های عامیانه است. اسطوره‌ها در این تغییر و تحول ویژگی‌های اسطوره بودن خود را، از جمله صبغه‌ی قداست و زمان آغازین و ابتدای هستی از دست داده به صورت قصه درمی‌آیند. بدین ترتیب از بین نمی‌روند و همچنان باقی می‌مانند (افشاری، ۱۳۸۷: ۴۳). افسانه‌ها و قصه‌ها می‌توانند پاره‌ها و بخش‌هایی از اساطیر کهن باشند که گاه کارآیی و ارزش خود را به عنوان پیکره‌ای زنده و فرهنگی از دست داده‌اند.

اسطوره مجموعه‌ای از باورها است که به زندگی فرد معنا بخشیده، پاسخگوی نیازهای او می‌باشد و از تکوین و پیدایش جهان، طبیعت و عناصر آن، آداب و رسوم و دلایل خلق آن حکایت می‌کند. یکی از نمونه‌های باورهای مرتبط با طبیعت، ارتباط این عناصر با انسانها و دخالت در سرنوشت آنهاست. به عنوان نمونه هر شخص ستاره‌ای در آسمان دارد وقتی آن ستاره سقوط کند، شخص خواهد مرد یا اگر شخصی وفات یابد روح او به صورت ستاره‌ای در آسمان مستقر می‌شود.

جاندار انگاری اشیا و پدیده‌های طبیعت نیز یکی از مضامین رایج در باورهای اساطیری است که در قصه‌ها به ویژه قصه‌های عامیانه ردپای فراوانی از آن دیده می‌شود و به نظر بدویان، جهان عموماً جاندار است. «فرایندی که پایه و اساس این پدیده است، بسیار ساده است و تقریباً همه روز، خاصه نزد کودکان مشاهده می‌شود. انسان به موجودات عالم خلقت، زندگانی روانی و احساسی و کنش‌ها و واکنش‌های خویش را نسبت می‌دهد و در ادوار اساطیری حتی از این حد نیز فراتر رفته، ذهنیاتش را بر سراسر طبیعت، جاندار و بیجان، بسان پرده‌ی عظیمی می‌تاباند.» (ستاری، ۱۳۸۱: ۵۲) تا جایی که به نظر محققانی چون کراپ، «هر اسطوره، مستلزم اعتقاد به جاندار انگاری است.» (همان جا) و به تبع آن، قائل شدن به وجود روح و مانا و جنسیت برای پدیده‌های طبیعی اعم از درختان و آبها و کوهها و ... و وصلت آنها با یکدیگر نیز از جمله باورهای پایه‌ای بسیاری از اساطیر کهن است<sup>(۱)</sup>.

باور به جاندار انگاری پدیده‌های طبیعی و ذی روح بودن آن، عامل اساسی تقدس بسیاری از پدیده‌ها به شمار می‌رود. پس اگر سنگ یا درختی یافت شود که از نیروی ماوراء طبیعی و تقدس برخوردار است، از این روست که روحی، خود را با آن مربوط ساخته است (الیاده، ۱۳۸۲: ۱۲۴)

عقاید کهن و اساطیر اولیه اقوام بشر، همچنین مشتمل بر ایزدان مذکر و مونث است که اغلب در قالب اشکال متنوع گیاهی و حیوانی و... تصور یا به شکلی از اشکال پدیده‌های طبیعی بر انسان متجلی می‌شوند. برای مثال در اساطیر ایرانی، تیشتر ایزد مذکر و چیستا ایزد مؤنث است. (آموزگار، ۱۳۸۱: ۲۴ و ۳۱) و در اساطیر هند، سوریا مذکر و راتری ایزدی مؤنث است (ایونس، ۱۳۸۱: ۳۲ و ۳۱).

باورهای اساطیری پیرامون گیاهان و درختان نیز، عموماً بر پایه‌ی یکی از وجوه جنسیتی شکل گرفته و مورد بسط و تفصیل واقع شده است. در کتاب فرهنگ نمادها در این باره می‌خوانیم:

«درخت نیز مانند سایر پدیده‌های طبیعی از نظر جنسیت دو وجهی است: ساقه‌ی درخت که به طرف آسمان قد بر افراشته، نماد نیرو و آلت مذکر و تصویر الگوی ازلی پدر است، در حالی که درخت مجوف و درخت برگ دار و انبوه یادآور تصویر الگوی ازلی قمری از مادر بارور است.» (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۸: ۱۹۸) داستان مشی و مشیانه در اساطیر ایران و اساطیر مشابه آن در بین النهرین و هند نیز به گونه‌ای متضمن این امر است. در اسطوره و باورهای عامیانه‌ی دیگر ملل هم نشانه‌های بسیاری از انگاره‌ی جنسیتی درخت قابل رؤیت است.

با نگاهی اجمالی در کتب حاوی گزارشهای اساطیری ملل، درمی‌یابیم که تجلیات و نمودهای درخت در کشورهای مختلف، متفاوت است. از سوی دیگر با پذیرش این فرضیه که ادبیات عامیانه، محملی برای انتقال و حفظ باورهای کهن اساطیری هر قوم به شمار می‌رود، می‌توان انتظار داشت که این امر - تفاوت بسامد انگاره‌های اساطیری فوق - در قصه‌های عامیانه نیز مشاهده شود. از سوی دیگر قصه‌های عامیانه‌ی یک قوم قادرند محققان را در یافتن تکه‌های گم شده‌ی اساطیری و ترسیم نمای روشنتری از اسطوره‌ها و باورهای کهن آن قوم یاری رسانند و این یعنی بازیابی اساطیر کهن به کمک فرهنگ عامیانه.

قصه‌های عامیانه‌ی هرزگان نیز سرشار از بن مایه‌های کهن و باورهای اساطیری است. در این پژوهش به یکی از رایج‌ترین این بن مایه‌ها یعنی «بررسی تحلیلی نمودهای اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن وابسته به آن در قصه‌های عامیانه‌ی هرزگان» پرداخته می‌شود. این پژوهش مشتمل بر پنج فصل است:

فصل اول به مقدمه و طرح، بیان اهمیت، ضرورت، پیشینه، فرضیه و روش تحقیق اختصاص یافته است.

در دومین فصل این رساله با عنوان «قصه‌های عامیانه و ارتباط آن با اساطیر کهن»، به بررسی ارتباط بین فرهنگ عامه به ویژه قصه‌های عامیانه و اساطیر و باورهای کهن پرداخته شده است و نیز اشاره‌ای به کارکردها و قابلیت‌های قصه‌های عامیانه در زمینه‌ی مطالعات فرهنگی، مردم شناسی، اسطوره شناسی و ... شده است.

فصل سوم این پایان نامه که تنه‌ی اصلی این پژوهش را در بر می‌گیرد به موارد زیر اختصاص یافته است:

۱- طبقه‌بندی نمودهای کهن و اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن پیرامون آن در اساطیر ملل  
۲- بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای بازتاب نمودهای کهن و اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن پیرامون آن در قصه‌های عامیانه‌ی مکتوب هرمزگان.

فصل چهارم به نتیجه‌گیری و فصل پنجم به جداول و نمودارها اختصاص دارد.  
منابع اصلی ما در این پژوهش قصه‌های عامیانه‌ی مکتوب هرمزگان است که با تلاش و کوشش جمعی از پژوهشگران بومی استان گردآوری شده است. جمع‌آوری این قصه‌ها و نگارش آنها زمینه را برای انجام پژوهش‌های مختلف اسطوره‌ای، جامعه‌شناسی، روانشناسی و ... بر این قصه‌ها فراهم نموده است. این منابع که مشتمل بر ۲۰۵ قصه هستند عبارتند از:

۱- هفتاد افسانه از افسانه‌های بندر خمیر، به همت سید عبدالجلیل قتالی (۱۳۸۹) شیراز: ایلاف.  
در این کتاب، نگارنده به ذکر هفتاد افسانه از افسانه‌های بندر خمیر پرداخته است و در ابتدای هر یک از این قصه‌ها نمونه‌های مشابه آن را از افسانه‌های ایرانی ذکر می‌نماید.

۲- افسانه‌های هرمزگان، به همت سهراب سعیدی، (۱۳۸۶) قم: سلسال.  
اثر دوم مشتمل بر صد و شش قصه از قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان است؛ که با زبانی ساده و درون مایه‌هایی سرشار از پند و اندرز نگاشته شده است.

۳- افسانه‌های جنوب، به همت یوسف رستم نژاد، (۱۳۸۱) شیراز: تخت جمشید.  
در این اثر نویسنده به ذکر شش قصه از قصه‌های عامیانه‌ی منطقه پارسیان پرداخته است.

۴- افسانه‌های مردم ایران زمین در فرهنگ مردم درتوجان، به همت فرخنده پیشدادفر (۱۳۸۰)، جلد پنجم، بندرعباس: سپاهان.

۵- افسانه‌های مردم ایران زمین در فرهنگ مردم درتوجان، به همت فرخنده پیشدادفر (۱۳۸۱)، مجلد اول مشتمل بر جلد ۱ - ۴، بندرعباس: سپاهان.

آخرین اثر مشتمل بر دو جلد از قصه‌های مردم درتوجان است، یکی از نکات مهم و قابل ذکر این آثار آن است که نویسنده هر یک از این قصه‌ها را ابتدا به زبان معیار و سپس به زبان عامیانه‌ی مردم این منطقه نگاشته است.

نکته: در مراحل آتی این پژوهش هر جا قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان ذکر شده مراد قصه‌های مکتوب عامیانه است.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

فرهنگ عامه به ویژه ادبیات عامیانه از قابلیت‌ها و ظرفیت مطالعات پژوهشی فراوانی برخوردار است. با توجه به این موضوع که فرهنگ منطقه‌ای یکی از اجزای مهم فرهنگ عامیانه به شمار می‌رود، توجه به آن در دریافت فرهنگ کل جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. در زمینه‌ی گردآوری فرهنگ

عامیانه‌ی استان هرمزگان تاکنون تلاش‌های اندکی صورت گرفته است؛ اما با این وجود آن چنان که باید و شاید مورد بازنمایی و توجه قرار نگرفته است.

امروزه پیدایش رسانه‌های جمعی از جمله؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات در تولید و گسترش فرهنگ رسمی و انزوای فرهنگ عامه نقش اساسی داشته است. از سوی دیگر بر اثر تداخل فرهنگ‌ها با یکدیگر و تغییر و تحولاتی که در جامعه صورت می‌گیرد، بخش عمده‌ای از آداب و رسوم‌ها به فراموشی سپرده شده است و اگر امروزه با تمام وسایل جمع‌آوری نشود، دیری نمی‌کشد که بسیاری از آن‌ها از بین خواهد رفت.

از طرف دیگر فرهنگ عامه، گنجینه‌ای سرشار از اساطیر و باورهای کهن به شمار می‌رود و بیشتر در نزد عامه‌ی مردم حفظ شده است. در نتیجه به منظور حفظ و پاسداشت باورها و عقاید و آیین و رسوم کهن در گام اول به بازخوانی متون شفاهی پرداخته، که نتایج این بازخوانی می‌تواند در مقولات مهمی چون شناخت فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۱-۳- هدف تحقیق

اهداف مهم مورد نظر در این پژوهش تأکید بر این موارد است:

- نشان دادن اهمیت قصه‌های عامیانه در مطالعات مختلف فرهنگی و ادبی و نیز ترغیب پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات فرهنگی، مردم‌شناسی و ...
- فرهنگ عامه، به ویژه ادبیات عامیانه منبعی سرشار از انگاره‌های اسطوره‌ای و باورهای کهن است.
- داستان‌های عامیانه‌ی هرمزگان از قابلیت فراوانی در استخراج انگاره‌های اسطوره‌ای و بن‌مایه‌های بسیار کهن برخوردار است.

### ۱-۴- پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی موضوع مورد بحث در این طرح؛ یعنی «بررسی تحلیلی نموده‌های اسطوره‌ای «درخت» و باورهای کهن وابسته به آن در قصه‌های عامیانه استان هرمزگان» تاکنون هیچ پژوهشی به چاپ نرسیده است؛ اما به طور جداگانه درباره‌ی بن‌مایه‌های اساطیری درخت و باورهای پیرامون آن چند اثر به رشته‌ی تحریر در آمده است. از جمله:

۱- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۱)، درخت شاهنامه، مشهد: به نشر.

این اثر از دو دیدگاه کالبدشناسی و ژرفاشناسی به شاهنامه‌ی فردوسی پرداخته است، و به بازگشودن راز و رمزهای مقدس و اسطوره‌ای، و باورشناسی مربوط به درخت و نشان دادن محور فرهنگی و نمادین درخت و پدیده‌هایی که به نوعی با آن در پیوند هستند. هدف نویسنده در این اثر آن است که با حرکت در مسیر اسطوره و راز شاهنامه، حیات فرهنگی گذشته و تفکر جمعی را تداوم بخشد.

۲- جعفریان، حسینعلی (۱۳۸۲)، بررسی منشأ و تحول ریخت شناسی و مفهوم درخت زندگی در تمدن بین‌النهرین و ایران، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.  
این اثر که در قالب پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد به رشته‌ی تحریر درآمده است، به مطالعه و بررسی انگاره‌ی درخت و ارتباط آن با زندگی اجتماعی مردم به ویژه در نواحی مختلف بین‌النهرین و ایران پرداخته است.

### **۱ - ۵ - روش تحقیق**

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است، که در آن ابتدا نمودهای اسطوره‌ای درخت و باورهای وابسته به آن در اساطیر ایران، هند، بین‌النهرین، یونان، روم و مصر و دیگر اساطیر آفریقایی استخراج شده و سپس موارد مشابه آن در قصه‌های عامیانه‌ی هرمزگان مشخص می‌شود، سپس این موارد مورد طبقه‌بندی و تحلیل قرار می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات مطالعه‌ی کتابخانه‌ای است. لازم به ذکر است که منبع اصلی ما در این پژوهش فقط قصه‌های عامیانه‌ی مکتوب است.



## فصل دوم:

قصه‌های عامیانه و ارتباط آن با

اساطیر و باورهای کهن

## ۲- قصه های عامیانه و ارتباط آن با اساطیر و باورهای کهن

### ۲-۱- فرهنگ عامه

فرهنگ عامه در استفاده‌ای مدرن و منظم، موضوع علمی است که فولکلور نامیده می‌شود و مشتمل بر مجموعه‌ای از سنت‌ها است که به صورت شفاهی یا تقلیدی از ادبیات، فرهنگ مادی و خرده فرهنگ‌ها در جوامع سنتی عمدتاً باسواد و دارای فناوری‌های پیشرفته نقل شده است (www.britanica.com).

فرهنگ عامه مجموعه‌ای از رفتارهای مشترک و عمومی میان مردم است که در بستر زمان به شیوه‌ی شفاهی سینه به سینه نقل شده و نشانگر تفکرات، آرمانها، ارزشهای فرهنگی و اخلاقی هر قوم و ملت است و می‌توان آن را به دو بخش کلی دانش عامه و ادب عامه تقسیم کرد؛ دانش عامه مانند؛ طب، نجوم و مسائلی نظیر این، حال آنکه ادبیات عامه به عنوان زیرمجموعه‌ای از فرهنگ عامه مشتمل بر قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها و ... مرتبط است.

فرهنگ با وجود گستردگی فراوان تعریف‌ها، همه‌ی اندیشه‌ها و سنت‌های جوامع انسانی را از آغاز تا امروز در بر گرفته است. پس می‌توان گفت که «عادات و آداب و اعتقادات ما نه تنها از جانب پدر و یا کسانی که در سرزمین هم نژاد نیاکان میزیسته‌اند، به ما رسیده است بلکه از تمام نژادهای دیگر این عادات و اعتقادات را گرفته‌ایم.» (هدایت، ۱۳۸۴: ۴۵۳). محققان، فولکور و آنچه را که وابسته به حیات عامه است برای بازسازی دوره‌های فراموش شده‌ی تاریخی که مدارک و شواهد در آن باب نایاب است، مناسب یافته‌اند. به نقل از پراپ، گوم معتقد بود که از راه بررسی فولکلور می‌توان لایه‌های سنت‌های عامیانه‌ای که به وسیله اقوام و نژادهای مختلف که پی در پی از راه غلبه، کوچ و ماندگار شدن در یک ناحیه بر روی هم انباشته شده و چون لایه‌های زمین ته نشست کرده است، باز شناخت و از یکدیگر جدا کرد و بدین ترتیب به بازسازی نمادهای اصلی توفیق یافت. پس پی بردن به آداب و رسوم و عقاید دینی و اجتماعی رایج در میان اقوام کهن از راه مطالعه‌ی ادبیات عامیانه‌ی این اقوام امکانپذیر است (پراپ، ۱۳۷۱: ۱۳).

گنجینه‌ی فولکلور اغلب از محفوظات اشخاص بی‌سواد و عامی به دست می‌آید و وابسته به پشتکار و همتی است که اهالی تحصیل کرده‌ی یک ملت از خود نشان می‌دهند (هدایت، ۱۳۸۴: ۴۵۳). یکی از گنجینه‌های بزرگ این فرهنگ، ادب عامه است که معمولاً به صورت شفاهی و سینه به سینه از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر و از نسلی به نسلی دیگر رسیده است.

ادبیات عامیانه به عنوان صورتی از فرهنگ توده، زاده‌ی قوه و استعدادی انسانی و عمومی و مردمی و بسی اندک فردی است و اثریست که همگان، حس و درکش می‌کنند و گر چه بعضی از افراد با استعداد آن را آفریده‌اند، اما دیری نمی‌پاید که به مالکیت و تصرف توده‌ی مردمان در می‌آید (ستاری، ۱۳۸۱: ۱۵).

یکی از مهم‌ترین صورت‌های این نوع ادبی، قصه‌های عامیانه است که سرچشمه بسیاری از شاهکارهای ادب رسمی به شمار می‌رود. در عین حال این قصه‌ها از عناصر غیر مکتوب فرهنگ جوامع و بخش مهمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملت است که در پی اندیشه و تخیل و آرزوهای انسانی پدید آمده و در طی قرون در میان توده‌ی مردم دیده می‌شود.

به نظر میر صادقی «قصه‌های عامیانه قصه‌هایی است که مخاطب آن‌ها در گذشته اغلب توده‌ی عامی بوده‌اند که سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند و به قصه‌های نقالان و قصه‌گویان گوش می‌داده‌اند و تحقق آرزوها و امیدهای خود را در آن‌ها می‌دیدند و شاید به همین دلیل وجه تسمیه‌ی عامیانه را به این قصه‌ها داده‌اند.» (میر صادقی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)

در فرهنگ‌های مختلف افسانه‌ها و قصه‌ها از زبان غیر نوشتاری برخوردارند. در نتیجه به صورت شفاهی و دهان به دهان منتقل می‌شوند و به عنوان نمونه‌ای از ادبیات مشتمل بر هر دو صورت، نثر و نظم، اشعار و آهنگ‌ها، اسطوره‌ها، درام‌ها، آیین‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و نظایر آن می‌باشد. تقریباً همه‌ی این نمونه‌ها را مردم مشهور - در حال حاضر و یا در گذشته - تولید نموده‌اند (برگرفته از پایگاه الکترونیکی دایره المعارف بریتانیکا).

بسیاری از این قصه‌ها بر مبنای باورها، آداب و رسوم و اعتقادات پیش از تاریخ به وجود آمده‌اند و از رنگ و بویی اساطیری برخوردارند. خدیش به نقل از یرزلی این باورهای ابتدایی را چنین می‌شمارد: طبیعت‌گرایی، جاندار انگاری اشیا و حیوانات، مسخ، بت پرستی، اژدها، خواب و رؤیا، تجدید حیات، سحر و جادو و تابوها (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۸). پس می‌توان گفت که قصه‌های عامیانه مملو از باورها و نموده‌های کهن اساطیری است. در نتیجه پیش از پرداختن به موضوع ارتباط قصه‌های عامیانه با اساطیر، مبحثی را به تعریف اساطیر و باورهای کهن اختصاص داده‌ایم.

## ۲-۲ - اساطیر و باورهای کهن

از اسطوره تعاریف گوناگون شده است؛ اما ارائه‌ی تعریف کامل که مشتمل بر همه‌ی مفاهیم آن باشد کار آسانی نیست. در اینجا به برخی از مهم‌ترین این تعاریف‌ها اشاره می‌شود:

به نظر آموزگار در فهم عامه و برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره به معنی «آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه‌ی افسانه‌ای محض دارد» می‌باشد؛ او خود معتقد است که اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنتها و روایتها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد (آموزگار، ۱۳۸۱: ۳).

به نظر بهار «اسطوره اصطلاحی کلی است و در بر گیرنده‌ی باورهای مقدس انسان در مرحله‌ی خاصی از تطورات اجتماعی که در عصر جوامع به اصطلاح ابتدایی شکل می‌گیرد و باورداشت مقدس همگان می‌گردد.» (بهار، ۱۳۸۷: ۳۷۱).

در دیدگاهی دیگر الیاده معتقد است که «اسطوره نقل‌کننده‌ی سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ایست که در زمان اوّلین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است.» (الیاده، ۱۳۸۶: ۱۴)

کوپ در تعریفی دیگر اسطوره را ریشه‌ی مذهب می‌داند و معتقد است که این هر دو - اسطوره و مذهب - بر ترس انسان بدوی از محیط خود مبتنی است. انسان بدوی که از هر پدیده‌ی ناشناخته‌ای در پیرامون خود وحشت داشت، آن را به موجودی مقدس بدل کرد. پرستش پدیده‌های طبیعی نیز بدین شکل آغاز شد (کوپ، ۱۳۸۴: ۱۲۰ و ۱۲۱).

اساطیر مجموعه‌ای از داستان‌های بر جا مانده از گذشته است که زمانی یک گروه خاصی بدان اعتقاد داشته‌اند و تصور می‌کردند که چگونگی رخ دادن امور را تبیین می‌کنند. پس بدان اعتقاد داشته بر مبنای آن زندگی می‌کردند.

اسطوره در بسیاری از موارد به بیان اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، و اعتلا بخشیدن به این ارزش‌ها می‌پردازد. به نظر زمردی مهم‌ترین کارکرد اسطوره عبارت است از «کشف سرمشق‌های نمونه وار آیین‌ها و فعالیت‌های معنی دار آدمی اعم از تغذیه، زناشویی، تربیت، هنر و فرزاندگی که برای فهم انسان جوامع کهن و سنتی اهمیت داشته است.» (زمردی، ۱۳۸۵: ۱۲)

باورهای کهن، باورهای مقدسی است که در جوامع ابتدایی با ریشه‌ای مذهبی شکل گرفته و باورداشت مقدس همگان می‌گردد. به عنوان مثال در باوری کلی، وفور نعمت و امنیت پاداشی است که در ازای اعمال خیر به انسانها داده می‌شود، حال آنکه سیل و زلزله و قحطی کیفری است که اعمال شر به دنبال خویش می‌آورد. این باور کهن و دینی سرچشمه بسیاری از باورهای کهن دیگر قرار می‌گیرد؛ مثلاً در جوامع ابتدایی معتقد بودند که «امراض سل، سرطان، آپاندیسیت، زخم روده، سوء هضم و بعضی تب‌ها در نتیجه‌ی اجحاف گوشتخواری است.» (هدایت، ۱۳۸۴: ۲۷۲) یا در مثالی دیگر، اگر در جامعه‌ای مردم به عبادت نپردازند، زنا کاری رواج یافته و سرانجام، آن مردم با عذابی الهی نابود می‌شوند.

اساطیر و باورهای کهن ریشه در ادیان ابتدایی و ماقبل توحیدی دارد. تعداد زیادی از مباحث ما بعد الطبیعه چون روح، رؤیا، حیات بعد از مرگ و ... که فلسفه و کلام در آنها به تعمق می‌پردازد، مربوط به عقاید و تعالیم ابتدایی ادیان است. پس می‌توان گفت آن چه در دیانات فراموش شده یا بدوی، حکم علم کلام را دارد و متضمن توجیه عقاید و آداب دینی محسوب می‌شود، اساطیر اقوام است که بدون شناخت آن اسرار عبادات و رموز شرایع این اقوام قابل ادراک به نظر نمی‌رسد (زرین-کوب، ۱۳۶۹: ۵۶). پس می‌توان گفت اسطوره به آیین یکتاپرستی و توحید در اندیشه‌ی انسان ابتدایی برمی‌گردد و در طی روزگاران دراز با تخیلات و خرافات عجین گشته است. نمونه‌ی این امر تعدد خدایان در اساطیر مختلف است که به نوعی برگرفته از آیین چند خدایی اقوام ابتدایی است. در اساطیر یونان نمونه‌ای از این باورها که ریشه در فرهنگ دینی اقوام دارد به چشم می‌خورد؛ اینکه زئوس در اساطیر یونان باستان به شکل عقاب یا به صورت باران در می‌آید، در واقع حاکی از وجود دوره‌ای است که عقاب و باران بعنوان حامی و معبود تلقی می‌شدند و بعدها با غلبه‌ی آیین زئوس صورت‌هایی از تجلی وی گشته‌اند (همان: ۴۱)